

هدف‌های تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی (ره)

دکتر سید کاظم اکرمی

هدف‌های عقلانی

تربیت انسان چند بعدی :

دیگر هدف عقلانی تربیت از دیدگاه امام
راحل، تربیت انسان چند بعدی است. امام
در این باره فرموده‌اند: "اسلام برای ساختن
انسان آمده است. کتاب آسمانی اسلام که آن
قرآن مجید است، کتاب تربیت انسان است.
انسان را به همه ابعاد که دارد، به بعد روحانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اول بود و هم در بعد اخلاقی و اجتماعی سرآمد
 اقران. امیرالمؤمنین - علیه السلام - هم همین
 طور بود.

ما معلمان و مربیان باید در امر تربیت، در
 توجه به یک بعد افراط نکنیم، بلکه همه ابعاد را
 در نظر بگیریم و سعی نماییم در زندگی فردی و
 اجتماعی، معنویت و سیاست، دفاع و جهاد،
 اخلاق و عقل و عاطفه، از الگوهای تمام و کمال
 که داریم پیروی کنیم.

تربیت انسان مستقل:

حضرت امام خمینی که دوره رضا خان و
 پسرش را از نزدیک مشاهده نموده و تجربه
 کرده بودند و با افکار و شخصیت مرحوم آقای
 مدرس کاملاً آشنا بودند، خوب می دانستند که
 استعمار انگلیسی و امریکایی چه بر سر فکر و
 اندیشه این ملت آورده است. در بسیاری از
 سخنرانی‌ها به حق در مورد مستقل بار آوردن
 افراد تکیه می کردند. به عنوان مثال در یک
 سخنرانی فرموده‌اند: "جوان‌ها را با اعتماد به
 نفس، با استقلال نفسانی بار بیاورید. معلم‌ها
 جوان‌ها را مستقل، آزاد بار بیاورند، معتمد به
 نفسشان کنید."^۲ در جای دیگری فرموده‌اند:
 "مردم را جوری بار آوردند که سلب اطمینان
 کردند از خودشان، استقلال فکری را از ما
 گرفتند. ما در فکر و در اندیشه و در روح وابسته
 شدیم. این وابستگی بسیار اسفناک است.
 وابستگی نظامی را با یک روز یا یک ماه
 می شود رفع کرد... وابستگی اقتصادی قابل
 جبران است... اما وابستگی روحی و انسانی
 است که بسیار مشکل است..."^۳

یکی از ترفندهای استعمار نو در کشورهای

و به بعد جسمانی، بعدها سیاسی، اجتماعی،
 فرهنگی، همه بعدها، بعد ارتشی ... اسلام آمده
 است که به ما راه تربیت را نشان دهد..."^۱

امام در این یک جمله ابعاد گوناگون را مورد
 توجه قرار داده است و از تربیت کنندگان
 می خواهد که به آن‌ها توجه نمایند. اگر به
 بزرگسالانی که تحت تأثیر تربیت‌ها و مربیان
 گذشته قرار گرفته‌اند توجه نماییم، ملاحظه
 خواهیم کرد که به ابعاد گوناگون تربیت کم‌تر
 توجه شده است. افراد زیادی بوده و هستند که
 به بعد روحانی تربیت توجه کرده و رشد خوبی
 هم نموده‌اند، اما از تربیت بدنی و پرورش
 جسمانی و تربیت سیاسی و اجتماعی غفلت
 کرده‌اند، یا در تربیت آن‌ها غفلت شده است. از
 سوی دیگر افراد زیادی در جامعه دیده
 می شوند که به ورزش و تربیت بدنی توجه
 خوبی نموده‌اند، ولی در بعد روحانی و معنوی
 رشد لازم را به دست نیاورده‌اند و در بعد
 سیاسی و اجتماعی هم در حد مطلوب تربیت
 نیستند. الآن در جامعه ما جمعی از جهت
 سیاسی رشد قابل ملاحظه‌ای به دست
 آورده‌اند، اما در بعد روحانی و اخلاقی و در کار
 آن‌ها نقائصی دیده می شود. بسیاری از ما در
 بعد ارتشی، به اصطلاح امام، یا در بعد نظامی و
 دفاعی تربیت لازم را کسب نکرده‌ایم. اما آن
 طور که امام فرموده‌اند تربیت اسلامی متوجه
 همه این بعدهاست. الگوهای تربیتی اسلام هم
 چند بعدی بوده‌اند. رسول گرامی اسلام و ائمه
 طاهربین به تناسب زمان در ابعاد گوناگون
 جلوه‌گری کرده‌اند. پیامبر بزرگوار ما هم عابد
 شب‌زنده‌دار بود و هم فرمانده لشکر و فردی
 نظامی، هم در بعد سیاست و اداره جامعه فرد

تربیت انسان معتمد به نفس :

امام راحل می فرمایند: "عمده این است که ما ذهن این جوان‌ها و حتی پیرها و روشنفکران ما را آماده کنیم که ما خودمان آدم هستیم و این طور نیست که در همه چیز دستان را پیش دیگران دراز کنیم و حتی اخلاق



و زیانمان را نیز از آن‌ها یابد بگیریم. " ۲
 امام - رحمت‌الله علیه - در برابر امثال تقی زاده که فکر می‌کردند ما باید از فرق سر تا نوک پا فرنگی شویم، باید در همه شؤون زندگی پیرو و

وابسته ؛ تحقیر مردم، بی‌اعتماد کردن آن‌ها به توانایی‌ها و استعدادهایشان و پذیرفتن برتری و سلطه دیگران بوده است. افرادی که حوادث و گفتارهای رجال سیاسی سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰ را دیده و شنیده یا در تاریخ خوانده‌اند، می‌دانند که یکی از نخست‌وزیرهای آن دوره معتقد بود: " ایرانی‌ها توانایی ساختن لوله‌نگ را هم ندارند. " و معلوم است که این مطالب چگونه مردم را نسبت به توان و استعدادشان بدبین می‌کرد. امثال این گفته‌ها سبب شد که امام بفرمایند مردم را جوری بار آوردند که از خودشان سلب اطمینان کردند. در عبارت دومی که از آن مربی بزرگ نقل کردیم، ملاحظه شد که امام وابستگی نظامی و اقتصادی را قابل جبران می‌دانند، اما رفع وابستگی روحی را بسیار مشکل می‌بینند. سر این مطلب این است که اگر مردمی از وابستگی روحی نجات یابند و بدانند توانایی دارند، ممکن است بر سر پای خویش بایستند و قطعاً سایر وابستگی‌ها را می‌توانند مرتفع سازند. اگر کسی به آمار و ارقام اختراعات و نوآوری‌های ایرانیان پس از انقلاب بنگرد خواهد فهمید که تا چه حد امام بزرگوار در تغییر روحیه مردم اثر داشتند. تعداد دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری که پس از انقلاب در دانشگاه‌ها به وجود آمده، بالا رفتن تحصیلات و کاهش میزان بیسوادی در جامعه ما و ده‌ها تحول روحی و فرهنگی، معلول إقتانات آن عزیز و ایجاد نظامی است که خلاقیت و ابتکار را تشویق می‌کند. البته بنده منکر این نکته نیستم که در این موارد ما در آغاز راهیم و کمبودهایی داریم که امیدوارم با تربیت بهتر، آیندگان بتوانند قدم‌های بلندتری در این راه بردارند.

هدف‌های اجتماعی

آگاهان به فرهنگ و تعلیمات اسلامی می‌دانند که توجه به مسائل اجتماعی، اجتماعی بار آوردن افراد و ایجاد مجتمع اسلامی به نوعی که افراد همه خود را یک جان واحد تلقی کنند، مورد اهتمام قرار گرفته است. نماز جماعت، نماز جمعه و حج، ایجاد پیوند اجتماعی در میان مردم یک محل، یک شهر و بالاخره بین همه مسلمانان دنیاست. افسوس که کم‌تر به روح تربیت اجتماعی در وضع این احکام توجه کرده و می‌کنیم. در این نوشته که بنای آن بر اختصار است سه هدف تحت عنوان هدف‌های اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است که عبارتند از:

تربیت سیاسی:

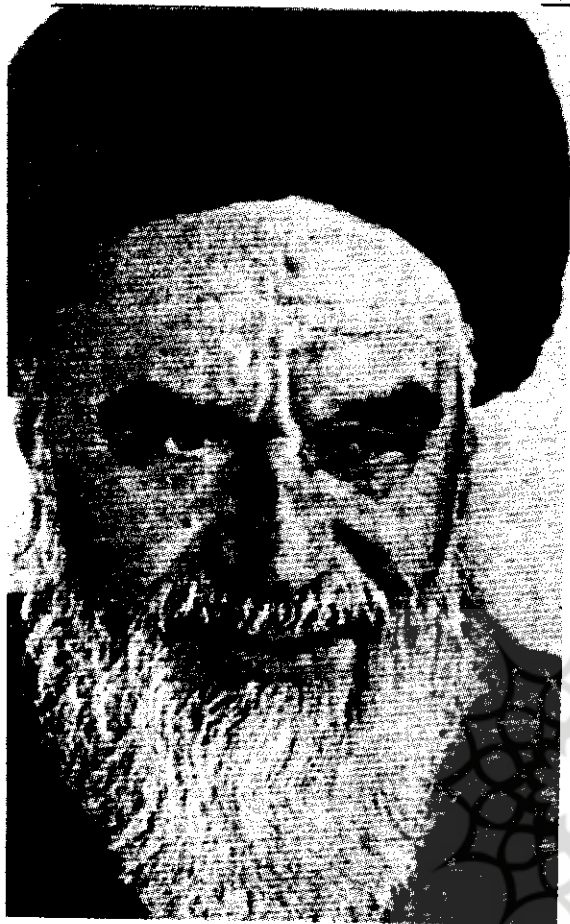
حضرت امام در عبارتی به مسئولان و معلمان مدرسه علوی به عنوان یک اصل کلی فرموده‌اند: "آقایان که تربیت بچه‌ها را می‌کنند، مسائل سیاسی روز را هم به آن‌ها تعلیم بکنند."^۷ در جای دیگر این مطلب را آورده‌اند: "شما بچه‌ها را از سیاست، از این طور چیزها دور نگه ندارید. دور نگه داشتن بچه‌ها از سیاست آن فرمی می‌شود که وقتی وارد اجتماعی شدند مثل یک آدم کوری وارد اجتماع بشوند."^۸

تا این جا معلوم می‌شود که منظور حضرت امام از تربیت سیاسی آگاه کردن افراد از مسائل روز است و توضیح می‌دهند که افراد ناآگاه به حوادث و جریان‌های سیاسی هنگام ورود به جامعه راه را از چاه تشخیص نمی‌دهند. وقتی افراد نتوانند درست و نادرست جریان‌ها را بفهمند، به راحتی تحت تأثیر قرار می‌گیرند،

تابع غرب باشیم، اعتماد به نفس را به ملت ایران تزریق کردند. امام همواره می‌فرمودند که باید باور کنیم می‌توانیم، می‌توانیم خودمان و کشورمان را اداره کنیم و نیازی به غرب و شرق نداریم. آثار این تربیت را در اراده سیاسی مردم عزیز کشورمان در هر سال مشاهده کرده و می‌کنیم.

تربیت علمی:

امام در یکی از بیاناتشان فرموده‌اند: "یک بچه‌ای که از مدرسه بیرون می‌آید باید مسائل دینی‌اش را بلد باشد، مسائل نماز و روزه‌اش را بلد باشد. هم تربیت علمی بشود، هم تربیت سیاسی."^۵ در این عبارت سه هدف مورد توجه است: تربیت دینی، تربیت علمی و تربیت سیاسی. در جای دیگر امام تربیت علمی را به معنی وسیع کلمه مورد توجه قرار داده و فرموده‌اند: "مسأله آموزش و مسأله تعلیم و تربیت علمی، یک مطلبی است که در قرآن کریم، در احادیث اولیای خدا از رسول اکرم (ص) تا سایر ائمه هدی (ع)، همه جا ذکر این قضیه بوده است و تجلیل از مقام علما به معنای وسیع و وادار کردن به این که باید علم بیاموزند، اگرچه در چین باشد. یعنی از کشورهایی که دور افتاده‌اند و از اسلام هم اطلاعی ندارند، از علمشان باید استفاده کرد."^۶ ملاحظه می‌نمایید که امام با توجه به سخن پیامبر عظیم‌الشأن که فرموده‌اند: دانش بجوید اگرچه در چین باشد، استفاده نموده، آموزش هر چه را که مفید است مورد تأکید قرار داده‌اند.



طعمه شکارچیان می شوند و آلت دست افراد خائن خواهند شد.

هدف امام از تربیت سیاسی تنها به همین نکته ختم نمی شود، زیرا در جای دیگر به معلمان فرموده اند: "ممکن است خیال کنید که این عده چیزی نیستند، دیگران کارها را انجام بدهند. ممکن است در بین همین ده نفر، همین پنجاه نفر که شما تعلیم می دهید یک شخصی پیدا بشود که بعدها یک مقام عالی داشته باشد، رئیس جمهور یک مملکت بشود، نخست وزیرش بشود، مراتب عالیّه کشور دست او بیاید، ممکن است همین یک نفر کشور را به باد فنا بدهد."^۹

از این عبارت می توان فهمید که سرمایه گذاری در تربیت سیاسی، با توجه به اثری که افراد مؤثر و دارندگان قدرت سیاسی دارند، بسیار مهم است. معلمان غالباً توجه کمی به این بعد دارند و تصور این است که دانش آموزان یک کلاس در مدارس معمولی هرگز به قدرت نمی رسند و یا احتمال بسیار ضعیفی وجود دارد که بتوانند در سرنوشت جامعه اثر کنند (البته قبل از انقلاب افراد معمولی کم تر می توانستند چنین قدرتی به دست آورند. اما امروز که بسیاری از افراد به راحتی می توانند حداقل به وکالت مجلس انتخاب شوند، این دیدگاه درست نیست).

با توجه به تأثیر افراد و خصلت های مؤثر آنها در سرنوشت ملت هاست که امام در عبارتی بیان داشته اند: "اگر یک بچه ای با اخلاق شیطانی تربیت شد، با اخلاق استکباری تربیت شد... امکان این را دارد که یک کشور را تباہ کند، انسان های زیادی را تباہ کند."^{۱۰} و بالاخره یک هدف دیگر تربیت سیاسی

آشنایی با راه و رسم مبارزه با ظلم است که امام بزرگوار در جایی مقصد بعثت را همین نکته دانسته اند.

مآخذ:

- ۱- صحیفه نور، جلد ۵، صفحه ۲۸۳.
- ۲- صحیفه نور، جلد ۶، صفحه ۴۰.
- ۳- صحیفه نور، جلد ۷، صفحه ۲۴-۳۳.
- ۴- صحیفه نور، جلد ۱۸، صفحه ۱۶۲-۱۶۱.
- ۵ و ۷- صحیفه نور، جلد ۵، صفحه ۱۰۹.
- ۶- صحیفه نور، جلد ۱۷، صفحه ۱۷.
- ۸- صحیفه نور، جلد ۵، صفحه ۱۰۶.
- ۹ و ۱۰- صحیفه نور، جلد ۱۴، صفحه ۲۸-۲۷.